هو الابهی - ای قربان، قربانی و در راه دلبر يکتا فدائی…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٤٥٩

### هو الابهی

ای قربان، قربانی و در راه دلبر يکتا فدائی هر آن، زيرا ياران هر دم در خطری عظيمند و در موردی مخوف شديد. جميع ملل چون گرگان خونخوار در هجوم و ايلغارند و جميع قبائل چون سباع درنده مهاجم هر بار. با وجود اين خطر شبهه‌ای نيست که جان در هدر است و خان و مان زير و زبر. پس فی‌الحقيقه ياران کلّ قربانند و دوستان جميعاً فدائيان. غصّه پدر و مادر و برادر و خواهر و همدم مهرپرور مخور. بحر غفران بيکرانست و فيض احسان بی‌پايان. نظر عنايت شامل کلّ و فيض مغفرت فائض بر کلّ. جناب خداوردی وِردی از بر نمايند که تمام غفران باشد و دليل فضل و رحمت يزدان. چنان انوار عنايت ساطعست که ظلمات ذنوب و قصور محو و نابود. ظلام ديجور به تجلّی نور زائل گردد و تاريکی اندوه به طلوع کوکب سرور فانی شود. وردی از آيه مبارکه يا عبادی الّذين اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة اللّه انّ اللّه يغفر الذّنوب جميعاً بهتر نبوده و نيست. حضرت ملّا علي محمّد را از قبل اين عبد تمجيد نما و بگو ای مطلع آيت هدی ای مشتعل به نار موقده در شجره سينا خوشا خوشا که نداء جمال ابهی را بلی گفتی و به افق اعلی دل بستی. در انجمن روحانيان بر مسند تمکين نشستی و دل به انوار طلعت نوراء بستی و از هر قيد و دام و تعلّق رستی و از تنگنای امتحان و افتتان جستی و البهاء عليک. ع ع